



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

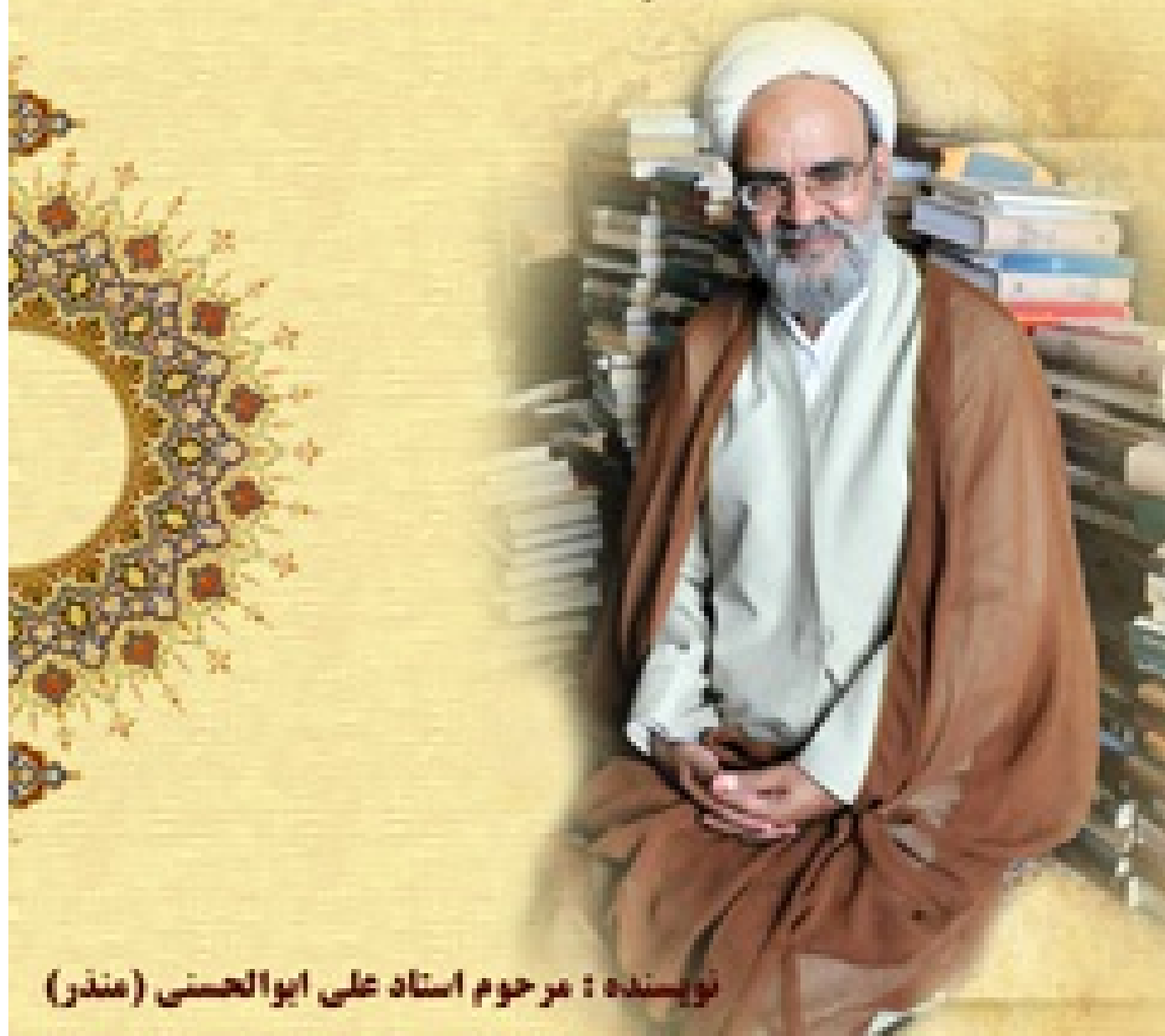


عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

استاد منذر (ره)؛

دیدم بانِ بیدار برابر یکهُ انذار



نویسنده: مرحوم استاد علی ابوالحسنی (منذر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری

نویسنده:

علی ابوالحسنی (مندر)

ناشر چاپی:

علی ابوالحسنی (مندر)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری ۶
- مشخصات کتاب ۶
- اشاره ۶
- یک سال از رحلت استاد ابوالحسنی می گذرد و این رحلت به قدری ناگهانی و بهت انگیز بود که نتوانستیم کم و کیف ماجرا را از زبان شما بشنویم. ایشان شما یک سال را با موارث علمی پدر سپری کرده اید. امروز اگر بخواهید به جوانان و کسانی که هم سن و سال شما و علاقمند به پیگیری این مسیر هستند، کتاب «شهید مطهری، افشاگر توطئه...» در میان آثار ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و انتشار آن هم مخالفین زیادی را برای ایشان رقم زد. حتی برخ... و در آن شرایط سخت جرئت نقد پیدا کنند. ۱۲
- از بازتاب های انتشار این کتاب هم برایمان بگوئید. ۱۲
- یعنی در شخصیت ردیه نویسان مشخص شده. ۱۳
- ایشان متوجه شدند که آب از سرچشمه گل آلود است و باید آنجا را درست کرد. ۱۳
- بازتابهای مثبت انتشار کتاب «شهید مطهری افشاگر توطئه...» چه بود؟ ۱۳
- در برخورد با ایشان، کسانی که آشنایی کافی به روحیات و منش علمی ایشان نداشتند، گاهی چنین تصور می کردند که انسان بسیار متعصبی است، اما در به بحث به جای مهمی رسید ، بعضی ها ادعا می کنند ایشان نسبت به شیخ فضل الله نوری تعصب داشت و این مسئله طبعا در جهت گیری ایشان اثر گذاشت. البته متأثر از موارث فکری آقای شیخ حسین لنکرانی هم بود، چون ایشان تائب شدن تقی زاده را تا حد زیادی از آقای لنکرانی گرفته بود. ۱۶
- چه تمهیداتی برای حفظ و نشر آثار و آراء ایشان اندیشیده اید؟ ۱۷
- از کتاب های در دست چاپ ایشان هم نام ببرید. ۱۸
- درباره مرکز ۱۹

دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابوالحسنی، علی، - ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور : دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری / علی ابوالحسنی (منذر)

مشخصات مقاله : تهران: عبرت، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۱۱

شابک : ۹۶۴-۹۱۸۳۰-۵-۱۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Ali abual - hassani. Lookout, ale Rt the...

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۱۳] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیر نویس

موضوع : فضل الله نوری، ۱۳۲۷ - ۱۲۵۹ق. -- سرگذشتنامه

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۷ - ۱۳۲۴ق. -- روحانیت

موضوع : مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : DSR۱۴۵۳/ف۶ الف ۲۴ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۵۰۹۲

اشاره

استاد منذر (ره)؛ دیده بان بیدار بر اریکه انداز

نگاهی به تکاپوی علمی و مجاهدات اجتماعی استاد ابوالحسنی (منذر) در مبارزه با فرقه های ضاله و دفاع از دستاوردهای تاریخی مذهب تشیع

محمد صادق ابوالحسنی

اسفند ۱۳۹۱

با رحلت استاد علی ابوالحسنی (منذر)، تشیع یکی از مدافعان و فرزندان آگاه و لایق خویش را از دست داد. استاد فقید از شخصیت‌هایی بود که به رغم میل به گمنامی نزد خواص اهل حق و نیز دشمنان ایشان، به عنوان یکی از پیشروان دفاع از اندیشه شیعی شناخته می‌شد و البته از گزند ترور شخصیت و حتی ترور فیزیکی آنان در امان نماند. نوشتار حاضر ره آوردِ گفت و گو با فرزند ایشان محمد صادق ابوالحسنی در اولین سالگرد آن فقید فرزانه است.

یک سال از رحلت استاد ابوالحسنی می‌گذرد و این رحلت به قدری ناگهانی و بهت‌انگیز بود که نتوانستیم کم و کیف ماجرا را از زبان شما بشنویم. ایشان که حالشان خوب بود. این جریان چطور اتفاق افتاد؟

روزی که این اتفاق دردناک افتاد در کرج بودم و حدوداً نزدیکی‌های غروب بود که به قم رسیدم. شب حدود ساعت نه بود که زنگ تلفن به صدا درآمد. خواهرم بود اما صدای او با همیشه تفاوت داشت. گریه امانش را بریده بود و توانی برای سخن گفتن نداشت. هر چه پرسیدم چه شده جوابی نمی‌داد تلفن را به همسایه داد و من این خبر دردناک را از همسایه شنیدم. انگار آسمان بر سرم خراب شد. توصیف آن لحظات برایم بسیار دشوار است. از قم تا تهران لحظه به لحظه نفسم به شماره افتاده بود. به منزل که رسیدم، حسی غریب را تجربه کردم. منظره عجیبی بود. بزرگمردی که در دفاع از معارف اسلام و حریم ولایت به تمام قامت بر می‌خواست و قد علم می‌کرد، دیگر توان برخاستن نداشت. دستان توانمندی که برای دفاع از اهل بیت (ع) و شعائر تشیع قلم می‌زد و قدرت قلمش در همه محافل علمی زبانزد بود، دیگر توان حرکت نداشت. پیکر بی‌جانش گوشه‌ای آرمیده بود و روح بلندش عند ملیک مقتدر قرار گرفت. و به این ترتیب مورخ ما جغرافیا را وداع گفت.

خبر پیامک به پیامک و سایت به سایت پیچید که: «قلب تپنده علی ابوالحسنی (منذر) از حرکت باز ایستاد!!». رحلت استاد برای عده ای بسیار غمبار و برای گروهی بسیار مسرت بخش بود. برای اهالی فرهنگ و اندیشه، و عاشقان مکتب اهل بیت (ع) دردناک بود ولی برای دشمنان تشیع، فرقه های ضاله و زخم خوردگان منحرفی که از سلاح قلم و بیان روشنگر او در هراس بودند بسیار خوشحال کننده بود. حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر رشاد در همین زمینه تعبیر رسایی به کار بردند:

«خبر، پتک در آینه بود!»: ابوالحسنی منذر به آسمان پیوست! مگر آتشفشان می‌تواند که ناگهان فرو میرد و طوفان کی یارد که نابهنگام فرو نشیند؟ حاشا و کلا! دریغا و دردا!».

خلاصه مدتی گذشت و به طور اتفاقی در کتاب آینه دار طلعت یار - که از شاهکارهای ادبی ایشان است - به عبارتی برخوردیم که گویا شرح حال امروز خود را گفته است: «باغبان رفت ولی باغ بی خزان باقی است. آری معمار رخ در دل خاک نهران ساخت ولی کاخ بلند و دلاویزش که آجر آجر آن، سخن سنجیده و نیکوست پابرجای ماند...».

شما یک سال را با موارث علمی پدر سپری کرده اید. امروز اگر بخواهید به جوانان و کسانی که هم سن و سال شما و علاقمند به پیگیری این مسیر هستند، پدرتان را معرفی کنید چه می‌گویید؟

در بررسی ویژگی های ارزشی، شخصیتی و علمی استاد منذر به مولفه هایی برمی خوریم که واقعا اگر نگوییم شخصیتی بی نظیر بود، باید بگوییم کم نظیر بود. برخی از این امتیازات، اکتسابی ولی بعضی دیگر خدادادی است و نظر خاص خداوند است. یکی بیت و خانواده ایشان است. ایشان در یک خانواده علمی و دینی به دنیا آمد و بالید. پدر ایشان آشیخ محمد ابوالحسنی و جد ایشان حاج شیخ یدالله ابوالحسنی اهل علم و عمل بودند.

شیخ یدالله ابوالحسنی حافظ قرآن، مدرس اخلاق، اهل تهجد و کرامت بود. شیخ محمد ابوالحسنی روحانی جلیل القدری بود که هم در سنگر تدریس و هم در سنگر خطابه فعالیت پرشوری داشت. ایشان با شهید نواب صفوی و آیت الله غفاری مأنوس بود و به منزل آیت الله کاشانی رفت و آمد داشت. پدرم نقل می کرد که یک شب تا صبح در باره شیوه مبارزه با شهید نواب صفوی بحث می کردند. در دهه ۴۰ مجالس مهم علامه عسکری توسط روحانیت غرب تهران در منزل ایشان برگزار می شد و بحث های سقیفه و منافقین صدر اسلام در آن محفل بسیار داغ بود.

شیخ محمد تسلط عجیبی در روایات داشت و در طول عمر گاهی برای پیدا کردن یک حدیث یا مأخذ شناسی آن به شهرهای مختلفی سفر می کرد. بد نیست بدانید که در شب عروسی پدرم حضرات آیات آقایان انصاری شیرازی و مصطفی اعتمادی - از اعظم حوزه - حضور داشتند و آیت الله انصاری، از تسلط فی المجلس حاج شیخ محمد تعجب کرده بود. تربیت در این بیت در کنار استادی مثل آیت الله شیخ حسین لنکرانی بسیار سازنده بود.

ویژگی دیگر استاد مندر استعداد سرشار در تحصیل علم، و ذوق بسیار بالایی بود که از کودکی در روحیات او بروز و ظهور داشت. معلوم بود که این نوجوان در هر رشته ای که وارد می شود، بسیار تأثیر گذار است و می تواند آن رشته را متحول کند. ایشان در مقدمه کتاب «بوسه بر خاک پی حیدر»، - چاپ دوم - با اشاره به اهتمام پدرش به تربیت فرزندان می نویسد: «از پرتو تربیت همو بود که این کمترین، همزمان با ورود به دبستان در مسجد لرزاده تهران به آموختن زبان عربی پرداخت و در کلاس سوم و چهارم هم مطالعه کتب منتهی الآمال و تتمه المنتهی را آغاز کرد، چندان که هنوز ششم ابتدایی را تمام نکرده بود که بسیاری از مجلدات ناسخ التواریخ، به ویژه جلد مربوط به تاریخ خلفا و تاریخ صدر اسلام را از نظر گذرانده بود».

ایشان مطالعه و تحقیق را به طور پیگیر ادامه داد و اولین کتابش را در سن ۲۰ سالگی نوشت و این حال و هوا را تا آخرین لحظات عمرش حفظ کرد به صورتی که سالی حداقل یک کتاب به جامه تحقیق می آراست و به عالم پژوهش ارزانی می داشت. ۲۰ تا ۲۳ سالگی کتاب های «هجرت» و دو جلد کتاب «سکوت» را نوشت. ۲۳ تا ۲۴ سالگی مدیریت مجله «کوثر» را به عهده گرفت و اکثر مطالبش به قلم خودش بود. ایشان برای اولین بار در تاریخ ویژه نامه ای را برای شیخ فضل الله نوری منتشر کرد. تا قبل از آن کسی جرئت نمی کرد این کار را بکند. همان موقع هم به ایشان گفتند اگر این کار را بکنی، فلانی و فلانی علیه تو مطلب می نویسند و برایت بد می شود، ولی ایشان گفته بود می نویسم، چون پشتوانه آن تحقیقات علمی است.

کتاب های «توکل»، «حکمت؛ مهاری بر سرکشی نفس»، «میعاد با استاد مطهری» و «فرقانسم» را در فاصله بین ۲۴ تا ۲۷ سالگی به جامعه عرضه کرد. مادرم نقل می کند شب خواستگاری وقتی ایشان آمد، گفت: «من قبل از این که اینجا بیایم با کتاب ها و تحقیقاتم پیوند خورده ام و تا حالا هفت کتاب از من به چاپ رسیده است». ایشان به طور همزمان برنامه های جالبی را در رادیو اجرا می کرد، از جمله بحث های مختلفی در باره جلال آل احمد، روشنفکری و مشروطیت...

اوائل دهه ۶۰ که پدرم وارد سن ۲۷ سالگی شد، اتفاقی افتاد که این اتفاق سرمنشأ یک سری تحولات شد. ایشان این بار با نوشتن کتابی به نام «شهید مطهری، افشاگر توطئه...» به بررسی جریاناتی ورود پیدا کردند که علاوه بر اینکه نقد علمی افکار آنها برای جامعه ضروری بود، کسی جرأت این کار را نداشت. این گروه با انتشار این کتاب جنجال زیادی به راه انداختند.

کتاب «شهید مطهری، افشاگر توطئه...» در میان آثار ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و انتشار آن هم مخالفین زیادی را برای ایشان رقم زد. حتی برخی کناره گیری ایشان را تا حدودی به این کتاب نسبت می دهند و می گویند که ایشان از برخی از مطالب آن عدول کرده است. شنیدن آخرین مواضع ایشان در نسبت با مطالب این کتاب از زبان شما مغتنم است.

سؤال حساس و مهمی است و پاسخ به آن مخصوصاً برای نسلی که آن دوران را درک نکرده اند و یا مسائل به شکل سلیقه ای برای آنان نقل شده، بسیار مفید است و آن هم این که بعضی ها سعی می کنند این گونه وانمود کنند که ایشان در آن مقطع تند برخورد کرده و به مرور زمان آرام شده است. اگر منظورشان این است که ایشان در آن موقع نسبت به موضوعی که در کتاب «شهید مطهری: افشاگر توطئه» مطرح کرد، بعداً تجدید نظر کرد، این طور نیست. شما دقیقاً همان تر را پس از ۲۶ سال در ویژه نامه «فرقان» مجله یادآور می بینید و همان منطق هنوز بر مطالبش حاکم است و ایشان دقیقاً با همان صراحت استدلال می کند. استاد در مقاله ای که در همان ویژه نامه باعنوان: «غوطه زد به خون، فرهاد» درباره شیخ قاسم اسلامی (ره) نوشتند که از دو قسمت قبل التحریر-نگاشته در اوائل دهه ۶۰- و بعد التحریر - که چند سال پیش ملحق شده - تشکیل می شود، هر دو یک حرف و یک شیوه دارد و فقط به مطلب پر و بال بیشتری داده است. در واقع بیشترین سهم از موشکافی ها در باب جریان حسینیه ارشاد و پیوند بعضی گروهک ها با آن طرز تفکر، از آن ایشان است. و این خود گواه این معناست که حرف نسنجیده ای نمی زد ولی وقتی حق را تشخیص می داد در این راه ثبات قدم داشت و در احقاق حق می کوشید و از ابطال باطل دست نمی کشید.

در آن مرحله اصل مسئله این بود که افراد دست از تعصب و مطلق‌انگاری و معصوم‌پنداری دکتر شریعتی بردارند و جدای از عواطف و احساسات، مسئله را بازبینی کنند.

...و در آن شرایط سخت جرئت نقد پیدا کنند.

دقیقا. و به این هدف هم نائل آمد؛ فراتر از همه اینها باید گفت نه تنها ابوالحسنی در طول این سی سال رویکرد خود را تغییر نداد بلکه این دشمنان او بودند که سبک خود را تغییر دادند. چرا که وقتی دیدند این همه جنجال و هیاهو نتیجه‌ای نداشت و استقبال مردم را نسبت به تحقیقات او بیشتر کرد، تصمیم گرفتند از این به بعد نسبت به آثار ایشان توطئه سکوت را در پیش گیرند و اساساً تغافل نمایند. از نقاط جالب این کتاب، نقد جریانهای مختلف مثل روشنفکران غرب زده، توده‌ای‌ها، تاریخ‌نگاران سکولار و ... بود و یکی از قسمت‌های جذاب و بکر آن، یادداشت منتشر نشده شهید مطهری بود که در واقع نقدی بر اسلام‌شناسی دکتر شریعتی محسوب می‌شد.

از بازتاب‌های انتشار این کتاب هم برایمان بگوئید.

مخالفین با روش‌های مختلف به میدان آمدند؛ که بخشی از آن برخورد مطبوعاتی و قلمی بود، در حقیقت ملغمه‌ای از برخورد ژورنالیستی، فشار روانی، ترور شخصیت، تهدید و حتی ترور فیزیکی. آنها برای شکستن استاد ابوالحسنی و اعمال فشار بر او، دامنه تهدیدهایشان را به خانواده و فرزندان خردسال او نیز کشاندند؛ که البته این شیوه‌ها در مقابل ایمان و توکل استاد بی‌اثر بود. در وجه مکتوب، آقایان آرمین، عماد باقی، یوسفی اشکوری علیه استاد فقید وارد گود شدند، عده‌ای نیز به میدان خطابه آمدند، از آن جمله آقای سروش - که تا آن زمان مکنونات قلبی خویش پیرامون دکتر شریعتی را آشکار نساخته بود - در مشهد علیه استاد سخنرانی نمود؛ گروه‌هایی نظیر فرقان و باند مهدی هاشمی نیز به ابزار مالوف خویش یعنی تهدید و ترور روی آوردند و عجیب آن که پیش‌بینی‌ها، اندازها و هشدارهایی که آن مرحوم در مورد ساختمان فکری و عاقبت ناخوشایند این کسان داده بود، امروز وقوع یافته و به طور عینی آشکار شده

یعنی در شخصیت رَدیّه نویسان مشخص شده.

دقیقاً. در حقیقت ایشان دست روی نقاط حساس تفکر آنان گذاشت و آنچه که به عینیت رسید، نماد پس پرده اندیشه آنان بود و ای کاش آن حرف های پدر جدی گرفته می شد. به هرتقدیر، استاد منذر با ملاحظه آن رویکردهای افراطی، احساس کرد که باید زیربنایی تر کار شود و عقبه و آبخورهای این جریانات دردل تاریخ، واکاوی و نمایان شود، لذا برای تحقیق به عرصه تاریخ مشروطیت برگشتند.

ایشان متوجه شدند که آب از سرچشمه گل آلود است و باید آنجا را درست کرد.

بله، معتقد بود که تاریخ در هر عصری تکرار می شود. از این رهگذر تحلیل دقیق دوره مشروطه و عبرت آموزی از آن برهه حساس تاریخی راه را برای بازنگری در جریانات روز فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باز می کند و برای کشف هویت جریان ها و چهره های عصر حاضر نقش کلیدی دارد.

بازتابهای مثبت انتشار کتاب «شهید مطهری افشاگر توطئه...» چه بود؟

این کتاب با استقبال گسترده مردم مسلمان و ولایی ایران مواجه شد و آنان که بغض فروخته و مرامنامه و گمشده خود را در آن یافته بودند، به سرعت از آن استقبال کردند. شاهدان عینی نقل می کردند که در برخی شهرها مردم برای خرید آن، صف می کشیدند تا جایی که بعد از چند بار تجدید چاپ، شمارگانش به سی هزار رسید! در نخبگان مستقیم الفکر نیز این کتاب بازخوردهای مثبت فراوانی را به همراه داشت؛ جالب است بدانید که دو تن از مراجع پس از انتشار این کتاب، برای تشکر به منزل ساده و کوچک استاد تشریف آوردند و در آن ملاقات از خود تواضع بسیار نشان دادند. بزرگی این مطلب، زمانی آشکارتر می شود که بدانیم آن زمان استاد، طلبه ۲۷ ساله ای بیش نبوده است.

در برخورد با ایشان، کسانی که آشنایی کافی به روحیات و منش علمی ایشان نداشتند، گاهی چنین تصور می کردند که انسان بسیار متعصبی است، اما در بعضی از موارد چنان وسعت مشربی در ایشان مشاهده می شد که حتی دوستان را متعجب می کرد. این ویژگی ها چگونه در ایشان جمع شده و حاصل چه فرآیندی بود؟

برای پاسخ به سوال شما باید نکته ای را عرض کنم که این فرآیند را به خوبی نشان می دهد. مرحوم استاد، سعه صدر و ظرفیت بسیار بالایی داشت. یعنی تک ساحتی نبود و این موجب شده بود در ابعاد مختلف همه جانبه نگاه کند. جامعیت در علوم مختلف داشت و در تحقیقاتش به یک رشته خاص علمی بسنده نمی کرد و شما می بینید علاوه بر تاریخ، در ادبیات، هنر، کلام، سیره شناسی، مباحث عاشورا و... آثار ارزنده ای دارد. از طرفی جامعیت در سبک تحقیق داشت یعنی در ریز کاوی ها و عمق شکافی های خود، هم از آثار چاپ شده، بهره می برد، هم از نسخ خطی و اسناد و هم از خاطرات شفاهی افراد مطلع.

برای روشن شدن گمگوشه های تاریخ و راز گشایی از پیچیدگی های آن از همه ظرفیت ها برای بیان حقیقت مدد می گرفت. سلیقه ای و گزینشی عمل نمی کرد و در این زمینه بسیار معتدل بود. طیف های مختلف هم که انصاف ایشان را می دیدند به ایشان احترام می کردند. وقتی به مبنای حق می رسید، ذره ای عقب نشینی نمی کرد ولی قائل بود که «الفضلُ ما شهدت به الاعداء» وقتی مخالفین یا منتقدین از آنچه که حق است دفاع کنند اثرش بسیار بیشتر است مثل تمجیدهایی که تاریخ نگاران سکولار از شیخ فضل الله کردند.

از این گذشته در تعامل با جامعه همان طور که اشاره کردید، وسعت مشربشان کم نظیر بود و این با تعصب سازگار نیست. این مسئله به خوبی در آینه مصاحبه ها و تعاملات علمی ایشان با چهره های گوناگون پیداست. ما می بینیم استاد افرادی که به لحاظ رویکردهای سیاسی در وادی های بسیار متنوعی سیر می کردند و حاضر به گفت و گو و تعامل با کسی نبودند، رابطه برقرار کرده و در راستای تقویت تشیع، دفاع از نظام اسلامی و تمامیت ارضی ایران با آنان رابطه داشته است. چنانچه بعد از رحلت ایشان نیز در بین افرادی که از استاد تجلیل کردند، گروههای مختلف دیده می شوند. این مقبولیت سرمایه بزرگی است که از انصاف و عظمت و وسعت مشرب ایشان برخاسته است.

بحث به جای مهمی رسید ، بعضی ها ادعا می کنند ایشان نسبت به شیخ فضل الله نوری تعصب داشت و این مسئله طبعا در جهت گیری ایشان اثر گذاشت. نظر شما در این باره چیست؟

سؤال من این است که اگر ایشان به شیخ فضل الله تعصب داشت، برخوردش با قاضی دادگاه او که حکم اعدام وی را صادر کرده، باید چگونه باشد؟ برخوردش با تقی زاده که جزو جناح غرب زده تندرویی که قاتلین شیخ در میان آنها بودند، باید چگونه باشد؟ ما می بینیم در تبیین زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی علاوه بر نقاط منفی و قابل تأمل فراوان در کارنامه زنجانی، اگر او کار مثبتی هم داشته، ذکر کرده است؛ مثلاً اگر در جوانی با میرزا محمد ورقاء، مبلغ سرشناس بهائی مناظره کرده و بر او چیره شده یا اگر شعری که درباره ولایت اهل بیت(ع) سروده، همه را آورده است.

استاد منذر در بخش هفتم کتاب، به خاطرات زنجانی که سرشار از تناقضات و تحریفات متعدد است، پرداخته منتهی با اخلاق و انصاف علمی، ابتدا اگر نقاط مثبتی به چشم می خورد، آنها را ذکر می کند و بعد وارد نقد او می شود.

در کتاب «آخرین آوازِ قو» با اینکه از ظلم ها، فتنه انگیزیها و شهر آشوبی های تقی زاده در صدر مشروطه یاد می کند، اما می نویسد حالا که انگشت روی خطاهای فاحش او گذاشتیم، رسم انصاف اقتضا میکند که اقدامات دیگر او در نیمه دوم عمر را هم بگوییم. مثل اعتراف به خطا، اظهار آلت فعل بودن در تمدید قرارداد داری و مبارزه با تغییر خط که در بخش نهم آن کتاب می خوانید.

ایشان به جد معتقد بود که تقی زاده به خطای خود اعتراف، و ابراز ندامت کرده است.

تعصب را دوست نداشت. کسی که نگاه تعصبی به شیخ فضل الله نوری (ره) داشته باشد نمی تواند با تقی زاده و زنجانی این گونه برخورد کند.

البته متأثر از موارث فکری آقای شیخ حسین لنکرانی هم بود، چون ایشان تأب شدن تقی زاده را تا حد زیادی از آقای لنکرانی گرفته بود.

ایشان گذشته از آنچه مرحوم شیخ حسین لنکرانی (ره) می گفت، یک سری اسناد، مدارک و حتی عکس هایی را مورد بررسی قرار داده بود که این نظر را تایید می کرد.

وانگهی اثر برجسته مرحوم والد درباره صاحب عروه (ره) علاوه بر تجلیل از وی، ادب و احترام نسبت به مرحوم آخوند خراسانی (ره) را ضروری می داند لذا آیت الله العظمی صافی فرمودند خیلی از کسانی که از صاحب عروه (ره) دفاع می کنند، آخوند خراسانی را محکوم می کنند و خیلی از کسانی که به دفاع از مرحوم آخوند (ره) برمی خیزند، انگشت اتهام را روی مرحوم سید می برند ولی آقای منذر در این کتاب به خاطر ادب و انصافش در تحلیل علمی و تاریخی به هر دو بزرگوار - رضوان الله علیهما - احترام کرده و غبار تحریف از چهره هر دو زدوده است.

چه تمهیداتی برای حفظ و نشر آثار و آراء ایشان اندیشیده اید؟

ما در آستانه سالگرد دو بزرگداشت علمی را پیش رو داریم. یکی در دانشگاه تهران و یکی در حوزه علمیه قم. اولی عصر چهارشنبه دوم اسفند ساعت ۳ تا ۶ در سالن شیخ انصاری (ره) دانشگاه تهران و دومی دهم اسفندماه در سالن همایش مدرسه دارالشفاء حوزه علمیه با هماهنگی موسسه تاریخ معاصر ایران برگزار می شود. بهترین چیز برای معرفی ابوالحسنی، آثار خود ایشان از جمله مقالاتشان است که به بیش از ۳۰۰ مقاله و چهل و پنج کتاب بالغ می شود که در زمینه های مختلف نوشته شده است مثلاً ایشان در این اواخر به طرز پررنگی در موضوعات فقهی قلم می زدند اخیراً ۲۴۰ صفحه در باب مسائل فقهی، اصولی و تاریخی در فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام) مطالب ارزنده ای نگاشتند که آیت الله العظمی علوی گرگانی با دیدن آنها به حقیر فرمودند: «پدر شما شخصیتی جامع داشت که اگر در باب فقه و اصول هم وارد می شد کارهای عمیقی ارائه می داد». به نظرم بهترین چیز برای معرفی ایشان نشر آثارشان است که در سال جاری کارهای مهمی صورت گرفته: تجدید چاپ کتاب های بوسه بر خاک پی حیدر (ع)، سیاه پوشی در سوگ ائمه نور(ع)، و هفت جلد کتاب درباره شیخ فضل الله نوری (ره)

مقالات شیخ فضل الله نوری؛ مواجهه عقلانیت "وحی باور" با عقلانیت "خودبنیاد" غربی. قسمت سوم، ش ۶۵، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام

مصاحبه منتشر نشده استاد در روزنامه جوان- بهار امسال- - «روحانیت را نیازمند دفاع کسی نمی بینم»

مصاحبه منتشر نشده مرحوم استاد با مجله زمانه - «کار شیخ ناتمام ماند»

«سالگردی دیگر برای شیخ فضل الله» نگاهی به اولین کار مطبوعاتی استاد ابوالحسنی در آخرین شماره مجله زمانه. مقاله «انجمن زنان صدر مشروطه؛ دست ها و دسیسه ها» در ویژه نامه «ریحان» که ضمیمه جام جم و پاسخی به ویژه نامه خاتون بود. مجله زمانه ویژه نامه ای به نام آخوند خراسانی چاپ کرد به نام «تبیین بی تعصب آخوند -ره-» که کل آن ویژه نامه تحت نظارت ایشان بود. خودش هم در آن، یک مقاله با نام «چند روایت معتبر» نگاشته است. چنانچه به زودی دو مقاله در مورد شخصیت مرحوم حجت الاسلام فلسفی با عنوان «بر ستیغ سخن» در مجله تاریخ معاصر ایران منتشر خواهد شد.

از کتاب های در دست چاپ ایشان هم نام ببرید.

از جناب استاد آثار زیر در دست چاپ است: یک اثر جامع پیرامون شهید شیخ فضل الله نوری بیش از ۵۰۰ صفحه (توسط موسسه کتابشناسی شیعه)، مجموعه پاره ای از مقالات استاد (کانون اندیشه جوان) مجموعه ذوق لطیف ایرانی در سه جلد که سومین جلد آن، «لبخند علما» نام دارد بسیار خواندنی است و به مطایبات حکیمانه علما می پردازد. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

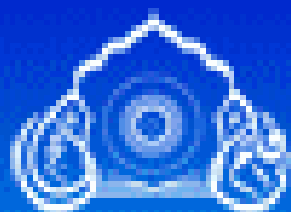
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

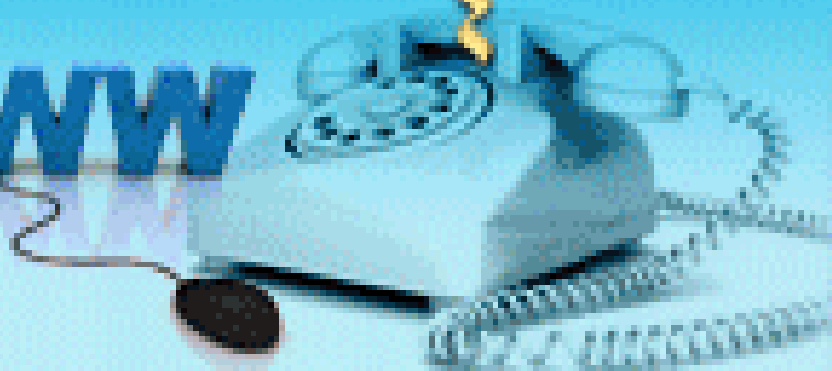


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

